

روش تربیتی تغییر موقعیت در منابع اسلامی

هادی حسین‌خانی*

چکیده

در خصوص روش تربیتی تغییر موقعیت این پرسش مطرح است که این روش دارای چه گونه‌هایی است؟ کارکردهای آن کدام است؟ و چه شرایطی لازم است تا به کارگیری آن مؤثر واقع شود؟ بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر، یافتن پاسخ به پرسش‌های فوق و ترسیم ابعاد روش تربیتی مذکور است. قلمرو تحقیق را آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام تشکیل می‌دهد. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام می‌شود. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که روش تربیتی تغییر موقعیت دارای گونه‌های وضعی، مکانی، زمانی و اجتماعی است. تغییر موقعیت از کارکردهای مختلفی همچون کارکردهای علمی، اخلاقی، دینی و روان‌شناختی برخوردار است. همچنین براساس منابع اسلامی، بصیرت، توانایی، پرهیز از راحت‌طلبی، ولایت‌مداری، استمداد از خداوند متعال و سرعت مناسب شرایطی است که زمینه اثربخشی روش مذکور را فراهم می‌کند. واژگان کلیدی: روش‌های تربیتی، تغییر موقعیت، منابع اسلامی.

مقدمه

هر یک از روش‌های تربیتی با اتکا به مبانی و اصول تربیت مسیر دستیابی به اهداف تربیتی را هموار می‌کنند. در این میان، روش تربیتی «تغییر موقعیت» از جمله روش‌های رفتاری است که در منابع اسلامی بسیار مورد استفاده قرار گرفته و از تأثیرگذاری ویژه‌ای در تربیت برخوردار است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد آیات فراوان قرآن کریم و روایات بی‌شمار معصومین (علیهم‌السلام) به گونه‌های مختلف با تغییر موقعیت مرتبط‌اند. در عین حال این پرسش مطرح است که روش تربیتی مذکور دارای چه انواعی است؟ کارکردهای آن کدام است و به چه منظور از آن استفاده می‌شود؟ و از همه مهم‌تر آنکه روش تغییر موقعیت با وجود چه شرایطی قابل بهره‌برداری است و اثربخشی مطلوب تربیتی از آن انتظار می‌رود؟

مکاتب و دانش‌های مختلف نقش محیط در رفتار انسان را مورد توجه قرار داده‌اند. مثلاً رفتارگرایی بر این باور است که رفتار انسان تابع شرایط و محیط بیرونی و نه درونی است (<https://plato.stanford.edu/entries/behaviorism/>). روان‌شناسی اجتماعی نیز مطالعه علمی چگونگی ساخت افکار، احساسات، اعتقادات، نیت و اهداف افراد در یک زمینه اجتماعی توسط تعاملات واقعی یا تصویری با دیگران را وجهه نظر قرار داده است (<https://www.simplypsychology.org/social-psychology.html>). دانش روان‌شناسی محیطی نیز با گردآوری دانش‌هایی از حوزه‌های مختلف در یک زمینه روان‌شناختی، به مطالعه روابط، رفتارها و تجارب انسانی در محیط می‌پردازد (ناری‌قمی و قره‌بگلو، ۱۳۹۴، ص ۲۰). با این وجود، در میان روش‌های تربیتی، کمتر به بحث پیرامون جوانب تغییر موقعیت - به مثابه یک روش تربیتی - پرداخته شده است. در بین آثاری که تغییر موقعیت را روشی تربیتی دانسته‌اند، برخی آن را به اجمال مورد توجه قرار داده‌اند. باقری (۱۳۸۹، ص ۱۳۹) روش مذکور را مبتنی بر اصل تأثیر شرایط بر انسان دانسته و نمونه‌هایی از کاربرد آن را در شرایط زمانی، مکانی و اجتماعی بررسی کرده است. برخی دیگر به تفصیل به این روش توجه کرده‌اند. اناری (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «روش تربیتی تغییر موقعیت در قرآن کریم»، انواع، آثار دنیوی و اخروی، و شرایط و آداب به‌کارگیری آن را ذکر کرده است. با این حال، منابع بسیاری بدون نام بردن از تغییر موقعیت، به بعدی از ابعاد آن پرداخته‌اند.

با توجه به اهمیت و ارزش این روش، و خلأ پژوهش‌های لازم در این خصوص، مطالعه جوانب مختلف آن ضرورت می‌یابد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که از طریق مطالعه آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) صورت می‌گیرد. در

تحقیق حاضر که مبتنی بر منابع اسلامی است، ابتدا انواع تغییر موقعیت و سپس کارکردهای آن بررسی می‌شود. سرانجام به بحث در مورد شرایطی پرداخته می‌شود که با لحاظ آنها می‌توان تا حدود زیادی اثربخشی این روش را تضمین کرد.

الف) مفهوم‌شناسی

روش تربیتی

روش تربیتی شیوه بروز عمل یا فعالیتی است که به منظور تأثیرگذاری بر متربی، از مربی صادر می‌شود. در این تعریف، روش تربیتی دارای چهار عنصر اساسی است: ۱. عمل و فعالیت عینی و حقیقی است؛ ۲. از معلم و مربی سر می‌زند؛ ۳. در ارتباط با دیگری (متربی) است؛ ۴. با هدف اثرگذاری در غیر (متربی) صورت می‌پذیرد (قائمی مقدم، ۱۳۹۱، ص ۱۲).

روش تربیتی تغییر موقعیت

از آنجا که موقعیت‌های مختلف زمانی، مکانی و اجتماعی مبدأ تأثیرگذاری‌های متفاوتی در انسان است، برای ایجاد حالات مطلوب در وی گاه لازم است روابط او را با موقعیت‌های مزبور دچار تغییر سازیم (باقری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۹). براین اساس، آنگاه که برای مصونیت یافتن از موقعیت آسیب‌زای کنونی یا پیش رو، و یا برخورداری از امتیازات موقعیت تعالی‌بخش، اقدام به موقعیت‌گزینی مطلوب و قرار گرفتن در آن می‌شود، از روش تربیتی تغییر موقعیت استفاده شده است. طبق این تعریف، تغییر موقعیت موارد زیر را در برمی‌گیرد: ۱. ترک وضعیت فعلی به منظور ایمنی از آسیب‌های احتمالی آن؛ ۲. پرهیز از ورود در موقعیت آسیب‌زا؛ ۳. پیش‌بینی، گزینش و حضور در موقعیت برتر جهت بهرمندی از مزایای آن، به‌رغم آسیب‌زا نبودن جایگاه کنونی. قابل ذکر است که این روش هم می‌تواند به‌منظور خودتربیتی و هم دیگر تربیتی به‌کار رود.

ب) انواع تغییر موقعیت

تغییر موقعیت به صورت‌های مختلفی قابل تصور است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تغییر موقعیت وضعی

منظور از تغییر موقعیت وضعی آن است که فرد در همان نقطه‌ای که حضور دارد، وضعیت خود را مثلاً از ایستاده به نشسته، نشسته به درازکش، پشت‌به‌قبله به روبه‌قبله و مشابه آن تغییر دهد. در منابع اسلامی نمونه‌های متعددی از تغییر موقعیت وضعی وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

روکردن به سوی قبله در هنگام نماز (بقره، ۱۴۴)؛^۱ یاد کردن خداوند متعال در حالت ایستاده، نشسته و به پهلو (آل عمران، ۱۹۱)؛^۲ شب‌زنده‌داری برای پروردگار در حالت سجده و قیام (فرقان، ۶۴)؛^۳ طواف، قیام، رکوع و سجود در خانه خدا (حج، ۲۶)؛^۴ رکوع و سجود در برابر پروردگار (حج، ۷۷)؛^۵ و تغییر وضعیت از ایستاده به نشسته و بالعکس در هنگام احساس خشم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۲۷۲).^۶

۲. تغییر موقعیت مکانی

در این نوع تغییر موقعیت، فرد جایگاه مکانی خود را به مکان دیگر تبدیل می‌کند تا از مزایای این جابجایی برخوردار شود. در اینجا به برخی از نمونه‌های تغییر موقعیت مکانی در منابع اسلامی اشاره می‌شود:

سیر در آفاق برای عبرت‌آموزی (انعام، ۱۱؛ نمل، ۶۹)^۷ و آگاهی از چگونگی آغاز آفرینش (عنکبوت، ۲۰)،^۸ هجرت در راه خداوند (نساء، ۹۷)،^۹ اقامه نماز در مساجد (اعراف، ۲۹)،^{۱۰} حرکت برای جهاد در راه خدا (توبه، ۴۱)،^{۱۱} انجام سفر علمی (توبه، ۱۲۲)،^{۱۲} زیارت امام حسین (علیه السلام) (نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۵۶۹)،^{۱۳} اعتکاف (خرمشاهی و انصاری، ۱۳۷۶، ص ۳۴۴)^{۱۴} و گام برداشتن برای برآوردن حاجت مؤمن (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۲۳۵).^{۱۵}

۱. قَدْ تَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلْتُوَلِّبْنِكَ قِبَلَهُ تَوَضَّأَهَا قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ...
۲. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.
۳. وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ لِرَبِّهِمْ سُجْدًا وَقِيَامًا.
۴. وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ.
۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.
۶. عَنِ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَهُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رَجْزُ الشَّيْطَانِ وَإِنْ كَانَ جَالِسًا فَلْيَقُمْ.
۷. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿۱۰﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ.
۸. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
۹. إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا.
۱۰. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.
۱۱. انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.
۱۲. وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ.
۱۳. قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لِأَمِّ سَعِيدِ الْأَحْمَسِيِّ إِنَّ زِيَارَةَ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عِدْلُ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ وَ اعْتِكَافِ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.
۱۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «اعْتِكَافِ عَشْرٍ فِي رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عَمْرَتَيْنِ».
۱۵. قَالَ الْحَسَنُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَنَّ الْمُسْتَى فِي حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ حَتَّى يَقْضِيَهَا خَيْرٌ مِنْ اعْتِكَافِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ بِصِيَامِهَا.

۳. تغییر موقعیت زمانی

در تغییر موقعیت زمانی، برخلاف موارد قبلی، زمان دستخوش تغییر نمی‌شود، بلکه انجام رفتار به زمان مناسب آن موکول می‌شود. تغییر موقعیت زمانی نیز مصادیق زیادی در آموزه‌های اسلامی دارد، از جمله:

اقامه نماز در هنگام خاص خود (نساء، ۱۰۳)،^۱ روزه گرفتن در زمان مقرر (بقره، ۱۸۷)،^۲ انجام مناسک حج در زمان خاص خود (همان، ۱۹۷)،^۳ زیارت اولیای الهی در مناسبت‌های خاص (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۲، ص ۷۵)،^۴ موکول کردن استغفار برای فرزندان به هنگام اجابت (یوسف، ۹۸)،^۵ برقراری ارتباط با خداوند متعال در شب (اسراء، ۷۹ و یوسف، ۷۹)،^۶ و اختصاص فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به روز (نبا، ۱۱).^۷

۴. تغییر موقعیت اجتماعی

هرگاه فردی به منظور مصون‌سازی خود از برخی آسیب‌ها، از موقعیت اجتماعی فعلی فاصله گیرد یا برای برخوردار شدن از برخی مزایا خود را به اجتماع مطلوب ملحق کند، تغییر موقعیت اجتماعی روی داده است. نمونه‌های زیر در منابع اسلامی از این قبیل به‌شمار می‌رود:

ازدواج با فرد دیندار (بقره، ۲۲۱)،^۸ هم‌نشینی با دینداران (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۹)،^۹ شرکت در عبادات جمعی مانند نماز جماعت (همان، ج ۳، ص ۳۷۲)،^{۱۰} نماز جمعه (جمعه، ۹)،^{۱۱} حج (آل عمران، ۹۷)،^{۱۲} اعتکاف (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۷۵)،^{۱۳} و...؛ پرهیز از هم‌نشینی با هواپرستان (نهج البلاغه، خطبه ۸۶)،^{۱۴} اهل بدعت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵،

۱. إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا.

۲. وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمْ الْحَيْطُ الْأَيْضُ مِنَ الْحَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ.

۳. الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ.

۴. رَوَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَشْقَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ.

۵. قَالَ سُوفَ أَسْتَفْهِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ.

۶. وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا؛ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعًا عِنْدَهُ إِذَا إِذَا لَطَالُمُونَ.

۷. وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا.

۸. وَلَا تَتَّخِذُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَا مَلةً مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا أَعْجَبِكُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَنَدُوا مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا أَعْجَبِكُمْ أَوْلَيْكُمْ يَدْخُلُونَ إِلَى النَّارِ ...

۹. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

۱۰. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا يَسْتَحْيِي الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ الْجَارِيَةُ فَيَبِيعُهَا فَتَقُولَ لَمْ يَكُنْ يَحْضُرُ الصَّلَاةَ.

۱۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَوَدَى لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاشْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَالِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.

۱۲. وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعِ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ.

۱۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ اغْتَسَفَ فِي الْمَسْجِدِ.

۱۴. قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَى مَثَلَةٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ.

ص ۲۳۲)،^۱ اهل لهو (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۹)،^۲ اهل ریب (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۰، ص ۳۷۵)،^۳ اهل پستی و اهل فسق (همان، ج ۷۵، ص ۱۲۲)،^۴ و افرادی که به آیات الهی کفر می‌ورزند و آنها را به سخره می‌گیرند (نساء، ۱۴۰).^۵ تغییر موقعیت اجتماعی به نوبه خود می‌تواند به گونه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... نیز تفکیک شود. نامه حضرت سلیمان علیه السلام به ملکه سبأ و فراخواندن او به نشانه تسلیم (نمل، ۳۰-۳۱) حضرت موسی علیه السلام (طه، ۹۷)،^۶ نمونه‌هایی از تغییر موقعیت سیاسی؛ فرمان به مسافرت به منظور عبرت‌آموزی (انعام، ۱۱)^۷ و سفر به مناطق دوردست برای کسب دانش (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۷)،^۸ مصادیقی از تغییر موقعیت فرهنگی؛ سفرهای تابستانی و زمستانی قریش برای تجارت (قریش، ۱-۲)^۹ و سفرهای ذوالقرنین برای خدمت‌رسانی (کهف، ۸۳-۹۸)، مثال‌هایی از تغییر موقعیت اقتصادی در منابع اسلامی به‌شمار می‌روند.

روشن است که در مواردی می‌تواند ترکیبی از دو، سه یا حتی همه موارد تغییر موقعیت اتفاق افتد. مانند حج که چون در ماه ذی‌الحجه انجام می‌شود، مصداق تغییر موقعیت زمانی؛ از آن‌رو که در سرزمین وحی صورت می‌پذیرد، مصداق تغییر موقعیت مکانی؛ از آن جهت که در طواف باید شانه چپ به سوی کعبه باشد، تغییر موقعیت وضعی؛ و چون همراه با خیل مشتاقان الهی برگزار می‌شود، مصداق تغییر موقعیت اجتماعی است.

ج) کارکردهای روش تربیتی تغییر موقعیت

به‌کارگیری گونه‌های مختلف روش تربیتی تغییر موقعیت دارای کارکردهای مختلفی است که در این نوشتار با ملاحظه منابع اسلامی کارکردهای علمی، اخلاقی، دینی و روان‌شناختی بررسی می‌شود:

۱. قال الصادق علیه السلام: ثلاثٌ یجبُ علی کُلِّ إنسانٍ تجبُّبُها مُقَارَنَةُ الْأَشْرَارِ وَ مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْبِدْعِ.
۲. مُجَالَسَةُ أَهْلِ اللّٰهُو یُنْسِی الْقُرْآنَ وَ یُحْضِرُ الشَّیْطَانَ.
۳. عن علی بن الحسن علیه السلام: وَ الذُّنُوبُ الَّتِی تَهْتِکُ الْعِصَمَ... وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الرِّیبِ.
۴. حَطَبَ الْحَسَنِ علیه السلام: فَقَالَ إِنَّ... مُجَالَسَةَ أَهْلِ الدَّنَاءَةِ شَرٌّ وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْفِسْقِ رِیْبَةٌ.
۵. وَقَدْ نَزَلَ عَلَیْكُمْ فِی الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ یُكْفَرُ بِهَا وَ یَسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى یُخَوِّضُوا فِی حَدِيثِ غَیْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ إِنْ اللّٰهَ جَامِعِ الْمُنَافِقِیْنَ وَ الْكَافِرِیْنَ فِی جَهَنَّمَ جَمِیْعًا.
۶. قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِی الْحَیَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مَسَاسَ... .
۷. قُلْ سِیْرُوا فِی الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِیْنَ.
۸. قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّیْنِ.
۹. لِإِبْلَافِ قُرَیْشٍ* إِبْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَ الصَّیْفِ.

۵. کارکردهای علمی

یکی از پیش‌نیازهای دستیابی به علم، خارج شدن از محیط زندگی به قصد استفاده علمی است. به همین دلیل خداوند متعال انسان‌ها را مواخذه می‌کند که چرا برای آنکه از قلب‌هایی برخوردار شوند که با آن تعقل کنند، در زمین سیر نمی‌کنند؟ (حج، ۴۶)^۱ و نیز به مؤمنان برای «سفرهای دین‌پژوهانه» نهیب می‌زند:

«چرا از هر گروهی طائفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کند تا در دین آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را انداز نمایند تا [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند و خودداری کنند» (توبه، ۱۲۲).

همچنین خداوند متعال، پیامبر اولوالعزم خود موسی (علیه السلام) را مأمور کرد تا با طی کردن مسیری طولانی (کهف، ۶۰)^۲ از خرمن دانش خضر (علیه السلام) بهره‌مند شود (همان، ۶۶).^۳ در نگاه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) کسب دانش هرچند به ازای طی کردن مسافتی طولانی لازم شمرده شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص ۲۷).^۴ روشن است که فرمان به پیمودن مسیر طولانی از حجاز تا چین با وسایل آن زمان، نه به منظور کسب درآمد مادی، بلکه حاکی از ارزشمندی علم است (https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2887). بنابراین، نهادهای تعلیم و تربیت باید با تبیین ارزش و فضیلت والای علم‌آموزی، به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که مهاجرت و مجاهدت علمی به هدف کسب دانش و نه دریافت مدرک و انگیزه‌های مادی صورت پذیرد. «همنشینی با دانشمندان» از مصادیق تغییر موقعیت اجتماعی است که به بسط و تعمیق دانش منجر می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۷).^۵ حضرت علی (علیه السلام) در روایتی، ساعتی همنشینی با عالمان را در نزد خداوند برتر از یکسال عبادت عاری از معصیت، نظر کردن به عالم را در نظر خداوند برتر از یکسال اعتکاف در بیت‌الحرام، و زیارت دانشمندان را در نزد خداوند برتر از هفتاد حج و عمره و هفتاد طواف پیرامون خانه خدا می‌داند. خداوند متعال چنین فردی را هفتاد درجه بالا می‌برد، به ازای هر حرفی برای او حجی مقبول می‌نویسد، رحمت خویش را برای آنها نازل می‌کند و ملائکه برای او شهادت می‌دهند که بهشت برای او واجب شد (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۶۶).^۶

۱. أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ.

۲. وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَتْنَهُ لَا أُبْرَحُ حَتَّىٰ أَتْلُعَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا.

۳. قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رَبَّنَا.

۴. قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ - فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ.

۵. عن علي (عليه السلام): جالس العلماء تزدد علما.

۶. عن علي (عليه السلام): جلوس ساعة عند العلماء أحب إلى الله تعالى من عبادة سنة لا يعضى الله فيها طرفة عين و النظر إلى العالم أحب إلى الله تعالى من اغتکاف سنة في البيت الحرام و زيارة العلماء أحب إلى الله تعالى من سبعين حجة و عمره و

کفر و استهزا قرار می‌گیرد، بر حذر می‌دارد (نساء، ۱۴۰).^۱ از این آیه شریفه استفاده می‌شود که باقی ماندن در این گونه جلسات، حتی با وجود ناخشنودی باطنی، زمینه ورود در جرگه نفاق را فراهم می‌کند. همچنین «تغییر موقعیت وضعی» می‌تواند به مهار هیجان خشم منجر شود (همان، ج ۷۰، ص ۲۶۴).^۲ کسب فضایل اخلاقی نمونه دیگر کارکرد اخلاقی روش تغییر موقعیت است. در منابع اسلامی «همنشینی» عاملی بسیار مؤثر در ایجاد و تقویت صفات مطلوب اخلاقی به‌شمار می‌رود. به عنوان نمونه، «همنشینی» با افراد حلیم موجب تقویت حلم (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۳۰)؛^۳ با نیازمندان، باعث تقویت روحیه سپاسگزاری (همان)؛^۴ با اهل خیر، موجب تبدیل شدن به اهل خیر (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛^۵ و با عالمان راستین (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۰۵)،^۶ زمینه‌ساز نیکویی ادب، تزکیه نفس (همان)^۷ و نهایتاً سعادت‌مندی می‌شود (همان).^۸ قابل توجه است که در تأثیرگذاری تربیتی مجالست، ویژگی‌های تداوم و غیر ارادی بودن مطرح است (<https://hawzah.net/fa/Lecture/View/76785>). برخی بزرگان نافذ و غیر محسوس بودن همنشینی را همانند لقمه غذایی می‌دانند که در دهان گذاشته و جویده می‌شود که انسان از خوردن، جویدن و مزه مزه کردنش لذت می‌برد و متوجه نیست که این لقمه آرام آرام از گلو پایین می‌رود و ناگهان متوجه می‌شود که چیزی در دهانش نیست. رفیق خوب سرمایه‌های مادی و معنوی را به کام انسان می‌ریزد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۹). بنابراین، بر پدر و مادر است که نخست خود هم‌نشینی مناسب برای فرزندان خویش باشند و نیز بکوشند فرزندان را در گزینش دوستان مناسب از خانواده‌های نجیب و اهل اخلاق یاری دهند (یالجن، ۱۳۹۵، ص ۲۷۳).

«زیارت» از دیگر نمودهای تغییر موقعیت است که کارکردهای متعددی در رشد اخلاقی دارد. زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به منزله هجرت به سوی آن حضرت (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۳۳۷)،^۹ زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام موجب آمرزش گناهان (همان، ص ۳۷۵)،^{۱۰} زیارت قبر

۱. وَ قَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَعَدُّوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا.
۲. عن الباقر عليه السلام: فَأَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَ هُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رَجُزُ الشَّيْطَانِ وَ إِنْ كَانَ جَالِسًا فَلْيُتَّقِم.
۳. قال علي عليه السلام: جَالِسِ الْخُلَمَاءِ تَزِدُّ حِلْمًا.
۴. قال علي عليه السلام: جَالِسِ الْفُقَرَاءِ تَزِدُّ شُكْرًا.
۵. قال علي عليه السلام: قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ.
۶. وَ قَالَ عليه السلام: لَا تَجْلِسُوا عِنْدَ كُلِّ عَالِمٍ إِلَّا عَالِمٌ يَدْعُوكُمْ مِنَ الْخَمْسِ إِلَى الْخَمْسِ مِنَ الشَّكِّ إِلَى الْيَقِينِ وَ مِنَ الْكِبْرِ إِلَى التَّوَاضُعِ وَ مِنَ الرِّيَاءِ إِلَى الْإِخْلَاصِ وَ مِنَ الْعِدَاوَةِ إِلَى النَّصِيحَةِ وَ مِنَ الرَّغْبَةِ إِلَى الرُّهْدِ.
۷. قال علي عليه السلام: جَالِسِ الْعُلَمَاءِ يَزِدُّ عِلْمَكَ وَ يَحْسِنُ أَدَبَكَ وَ تَرْكُ نَفْسِكَ.
۸. قال علي عليه السلام: جَالِسِ الْعُلَمَاءِ تَسْعَدُ.
۹. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي.
۱۰. قَالَ عليه السلام: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُتَجَبِّرٍ وَ لَا مُتَكَبِّرٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

امام حسین (علیه السلام) مانند زیارت خداوند متعال در عرش (همان، ص ۴۱۱)^۱ و زیارت امام رضا (علیه السلام) موجب بخشش گناهان (همان، ص ۵۸۳)^۲ است. یکی از دلایل اهمیت یافتن زیارت آن است که خدا به شفاعت پیامبر اکرم و اهلیت (علیه السلام) گناهان مردم را می‌آمرزد و اگر کسی از رفتن به در خانه اهلیت امتناع کند، مشمول شفاعتشان نخواهد شد (https://mesbahyazdi.ir/node/263).^۳

«اعراض» از دیگر جلوه‌های روش تغییر موقعیت است که در دیگر تربیتی کاربرد دارد. به‌عنوان نمونه، یکی از واکنش‌های هشداردهنده قرآن کریم در برابر نافرمانی همسر، جداسازی بستر یا پشت کردن به وی در بستر عنوان شده است (نساء، ۳۴).^۴ اعراض موجب محرومیت همسر از عواطف شده و فرد را وامی‌دارد که برای جلب این نیاز عاطفی، دست از نافرمانی همسر خود بردارد.

۷. کارکردهای دینی

از روش تغییر موقعیت به‌منظور حفظ و تقویت ارزش‌های دینی در ابعاد اعتقادی و عملی نیز می‌توان استفاده کرد. «هجرت» که در اغلب موارد از مصادیق تغییر موقعیت مکانی و اجتماعی است، عمدتاً برای صیانت از ارزش‌های دینی به‌کار می‌رود. هدف از هجرت این است که از جامعه و محیطی که امکان انجام تکالیف دینی در آن وجود ندارد، دور شویم و در جامعه‌ای زندگی کنیم که مانعی برای دینداری نباشد (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۰). خداوند متعال با بیان اینکه زمین او فراخ است پس صرفاً باید او را پرستید، اشاره می‌فرماید که اگر در موقعیتی امکان پرستش او وجود نداشت، باید مکان دیگری را برای زندگی برگزید (عنکبوت، ۵۶).^۵ از این‌رو در روایات نقل شده برای مؤمن سزاوار نیست در جلسه‌ای که در آن معصیت خداوند می‌شود و او قادر به تغییر آن نیست، باقی بماند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۷۴).^۶ یا در جلسه‌ای که امامی مورد نقص یا مؤمنی مورد عیب قرار گیرد (همان، ج ۲، ص ۳۷۷).^۷ همچنین براساس قرآن کریم (نساء، ۶۶)،^۸ به‌کار بستن دستورات خداوند که گاه در قالب تغییر موقعیت و فاصله گرفتن از محل سکونت محقق

۱. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ ع بِسَطِّ الْفُرَاتِ - كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ.

۲. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطْوَسٍ - غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

۳. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ رُؤُوسَهُمْ وَرَأَتْهُمْ بِضُدُونٍ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (منافقون، ۵).

۴. ... وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فِعْظُهُنَّ وَاهْتِزَّوَهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ.

۵. يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي آفَاغِبُدُونَ.

۶. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَ لَا يَقْدِرَ عَلَى تَغْيِيرِهِ.

۷. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَجْلِسُ مَجْلِسًا يُتَّقَصُّ فِيهِ إِمَامٌ أَوْ يُعَابُ فِيهِ مُؤْمِنٌ.

۸. وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَسَدًا تُبَيَّنَّا.

می‌شود، به تثبیت ایمان و ثبات قدم منجر می‌شود (اناری، ۱۳۹۰، ص ۹۱). براین اساس، ایجاد فاصله با محیط نامناسب اعم از محل سکونت، محل تحصیل، نوع و محل کار و... عامل مهمی است که باید در خودتربیتی و دیگر تربیتی لحاظ شود.

«سیر در آفاق» نیز آثار و برکات دینی متعددی دارد، از جمله آنکه موجبات تقویت باور به معاد را فراهم می‌سازد (عنکبوت، ۲۰)^۱ و عاقبت کفر را یادآور می‌شود (محمد، ۱۰).^۲ شاید علت تأکید قرآن بر سیر در آفاق نیز همین نکته باشد که در دیدن اثری نهفته است که در شنیدن و مطالعه کردن و... نیست. حضرت موسی (علیه السلام) وقتی برای مناجات به طور رفته بود، خدای متعال به او وحی فرمود که در غیبت تو، قومت گوساله پرست شدند. حضرت این را شنید و از آن آگاه شد و چون خدا چنین فرموده بود، هیچ جای شک نبود ولی از شنیدن این خبر چندان مضطرب نشد. اما وقتی در میان مردم آمد و گوساله پرستی آنها را مشاهده نمود، خیلی مضطرب و خشمگین گردید که قرآن می‌فرماید: «وَأَلْقَى الْأَلْوَابِحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ» (اعراف، ۱۵۰)؛ عصبانی شد و بر سر هارون داد و فریاد برآورد که چرا گذاشتی این مردم گوساله پرست شوند. این خشم و عصبانیت به خاطر دیدن آن حالت بود (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۶).

«ازدواج» از نمونه‌های تغییر موقعیت اجتماعی است که بسته به چگونگی انتخاب همسر می‌تواند زمینه حفظ یا زوال ارزش‌های دینی را فراهم سازد. براساس قرآن کریم، تأثیر انتخاب همسر مؤمن یا مشرک نه فقط تا پایان زندگی دنیوی، بلکه تا بهشت و دوزخ امتداد می‌یابد (بقره، ۲۲۱).^۳ پیوند زناشویی آکنده از فرصت‌هایی است که برای ارائه توجیه‌ها، باورها و عادت‌ها به طرف دیگر وجود دارد و به ایجاد نوعی «دگرگونی شناختی»^۴ در او می‌انجامد (جیوردانو و دیگران، ۲۰۰۳؛ به نقل از سلیمی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۸۵).

۸. کارکردهای روان‌شناختی

برخی از کارکردهای متنوع روان‌شناختی روش تربیتی تغییر موقعیت در این فراز از بحث بررسی می‌شود. «دیدار با برادران دینی» موجب تأثیرات مطلوب روان‌شناختی، از جمله انبساط خاطر و

۱. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
 ۲. أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْتَالُهُمْ.
 ۳. وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا أُمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ حَتَّىٰ مَن مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَنَدَ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّىٰ مَن مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أُعْجِبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ ءَايَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ.

4. cognitive transformation.

بارور شدن عقل می‌گردد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۳۵۳).^۱ اگر این ملاقات با هدف یاد خدا تشکیل شود، آرامش و سرور بهشت را نیز به دنبال خواهد آورد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بخرامید در باغ‌های بهشت. [اصحاب] گفتند: ای رسول خدا، باغ‌های بهشت چیستند؟ حضرت فرمودند: باغ‌های بهشت مجالس ذکرند. در بامداد و شامگاه به یاد خدا باشید (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۱۶۳).^۲ سخن آن حضرت بیانگر یک نکته مهم تربیتی و تأثیر مهم اجتماع‌های شایسته در حرکت انسان به سوی کمال است. افراد عادی، معمولاً در تنهایی رغبت و علاقه چندانی به انجام برخی شعایر و برنامه‌های دینی ندارند اما اگر دیگران را در کنار خود ببینند، نشاط و انگیزه در آنها پدید می‌آید (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳).

«انجام عبادات دینی» نیز در این خصوص نتایج ارزشمندی به دنبال دارد. در منابع اسلامی اطاعت پروردگار موجب سرور دانسته شده است (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۱).^۳ برخی طاعات نیز به‌طور ویژه دارای آثار روان‌شناختی هستند. مانند اقامه نماز که زائل‌کننده خوف و حزن (بقره، ۲۷۷)،^۴ دانسته شده است. رویگردانی کامل از مشکلات و هموم زندگی و نیندیشیدن به آنها در اثنای نماز، باعث ایجاد حالتی از آرام‌سازی کامل و آرامش روان و آسودگی عقل در انسان می‌شود. «آرام‌سازی یکی از وسایل مورد استفاده برخی از روان‌درمانگران جدید برای درمان بیماری‌های روانی است (نجاتی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۹). همچنین روابط اجتماعی دوستانه و مودت‌آمیز با دیگران که از نماز جماعت حاصل می‌شود، نه تنها به رشد شخصیت و رشد انفعالی فرد کمک می‌کند، بلکه نیاز تعلق او را به گروه و پذیرش او را از سوی گروه، تأمین و اشباع می‌نماید. به‌طورکلی، نماز جماعت و به‌ویژه نماز جمعه، به همان اندازه در تکوین و استحکام شخصیت افراد مؤثر است که روان‌درمانی گروهی. البته روان‌درمانی معمولاً پس از بروز بیماری روانی انجام می‌شود. اما نماز، و به‌ویژه نماز جمعه از دچار شدن فرد به بیماری روانی پیشگیری می‌کند و بدون شک پیشگیری از درمان بهتر است. از این‌رو، نماز با روان‌درمانی قابل مقایسه نیست (نجاتی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۴-۳۹۶).

د. شرایط به‌کارگیری مؤثر روش تغییر موقعیت

به‌کارگیری این روش تربیتی تحت شرایطی امکان‌پذیر یا مؤثر است که در اینجا بررسی خواهد شد.

۱. عن أبي جعفر الثاني عليه السلام قال: ملاقات الإخوان نُشْرَةٌ وَ تَلْقِيحُ الْعُقُلِ.

۲. إِزْتَعُوا فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: مَجَالِسُ الدُّكْرِ، أَعْدُوا وَ زُوْحُوا وَ اذْكُرُوا... .

۳. عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: سُرُورُ الْمُؤْمِنِ بِطَاعَةِ رَبِّهِ.

۴. إِنَّ الدِّينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

۹. بصیرت

نخستین شرط تغییر موقعیت برخورداری از آگاهی عمیق و گسترده درباره موقعیت موجود و موقعیت مطلوب است. خداوند متعال به مؤمنانی که آهنگ جهاد کرده‌اند می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که در راه خدا گام برمی‌دارید [و به سفری برای جهاد می‌روید] تحقیق کنید» (نساء، ۹۴).^۱

چنانچه حرکت براساس بصیرت صورت نگیرد، سرعت حرکت جز دوری از مقصد نتیجه‌ای نخواهد داشت (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۴۴).^۲ پس در مقام تربیت ابتدا باید وضعیت موجود با وضعیت پیش‌رو مقایسه شود و در صورت اطمینان یافتن از مطلوب‌تر بودن موقعیت پیش‌رو، اقدام به تغییر موقعیت کرد. در صورت نگرانی از گمراه‌کننده بودن مسیر، توقف سزاوارتر است (نهج البلاغه، نامه ۳۱)،^۳ چرا که بیراهه رفتن اگر به سقوط در دره و هلاکت منجر نشود، لااقل به طی کردن دوباره مسیر می‌انجامد (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۹).

۱۰. استطاعت و توانایی

یکی از شرایط لازم برای مسئولیت اخلاقی، توانایی انجام تکلیف است. بنابراین اگر فعل مورد تکلیف، خارج از حیطه توانایی‌ها و استعدادهای انسانی باشد، طبیعی است که اخلاقاً نمی‌توان فرد را در قبال آن مسئول دانست. از این‌روست که تکلیف به «مالایطاق» قبیح است، و خدای حکیم نیز کاری را که از حدود توانایی‌های آدمیان خارج باشد از آنان نمی‌خواهد «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره، ۲۸۶) (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۹). بنابراین، دیگر لازمه به‌کارگیری این روش، استطاعت و توانایی تغییر دادن موقعیت است. عنوان نمونه، وجوب حج منوط به استطاعت شده است (آل‌عمران، ۹۷).^۴ همچنین شرطی که هجرت را ایجاب می‌کند، آن است که امکان تدبیر و چاره‌جویی و نیز راه‌هایی از محیط نامطلوب وجود داشته باشد (نساء، ۹۷-۹۸).^۵ در مورد جهاد نیز، توانایی و سلامت جسمی و تمکن مالی برای هزینه حرکت، شرط شده است (توبه، ۹۱-۹۲).^۶ پس لازمه تغییر محل سکونت، مدرسه و محل کسب و کار نامطلوب، توانایی است و

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَيِّنُوا... .

۲. قال الصادق عليه السلام: الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ فَلَا تَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا.

۳. قال علي عليه السلام: وَأَسْكُ عَنْ طَرِيقٍ إِذَا خَفَّتْ ضَلَالَتُهُ فَإِنَّ الْكُفَّ عِنْدَ خَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، خَيْرٌ مِنْ رُكُوبِ الْأَهْوَالِ.

۴. وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا... .

۵. إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَاؤَاهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا* إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا.

۶. لَيْسَ عَلَى الضَّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرْجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ* وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا اتَّوَكَّلُوا لَتَحمِلَهُمْ قَلْبٌ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَرْنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ.

در صورتی که امکان جابجایی وجود نداشته باشد، برای خنثی سازی پیامدهای محیط ناسالم، باید از دیگر روش های تربیتی مدد جست. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: خیری نیست در کسی که با فردی که ناچار از معاشرت با او است، معاشرت نیکو نداشته باشد تا اینکه خداوند راهی برای خلاصی از او بگشاید (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۸۷).^۱ پس چنانچه فرد ناگزیر از حضور در موقعیتی خاص مانند جمع خانوادگی خود باشد، باید مدارا پیشه کرده و با شیوه ای پسندیده با آنان رفتار کند.

۱۱. پرهیز از راحت طلبی

لازمه دیگر به کار بردن مؤثر روش تربیتی تغییر موقعیت، روحیه جهادی و پرهیز از راحت طلبی است. موسی (علیه السلام) پس از خلاصی بنی اسرائیل از چنگ فرعون، به آنان فرمان داد به زمین مقدسی که خدا برایشان نوشته بود، وارد شوند، با مشرکان و دشمنان خدا بجنگند، آنجا را مسکن و مأوی خود کنند و سیادت و آقایی داشته باشند. آنان در پاسخ موسی گفتند: ما حوصله درگیری با ایشان را نداریم و تا در شهر هستند، هرگز وارد آن نمی شویم؛ و هنگامی وارد شهر خواهیم شد که آنان خارج شده باشند. سپس مجدداً تأکید کردند که ای موسی! ما هرگز وارد این شهر نمی شویم! تو با خدای خود بروید، با آنان بجنگید و بیرون شان کنید که ما در اینجا نشستیم. وقتی شکست خوردند و بیرون رفتند، ما وارد خواهیم شد (مانده، ۲۰-۲۶).^۲ در هر حال، این خوی راحت طلبی آنها بود که به این گفتار نامعقول و ادارشان می کرد و با اینکه می دانستند مبارزه با دشمن، عزت و عظمت، و لذت سیادت و حریت را به دنبال می آورد، راحت طلبی و تن آسایی توأم با ذلت و نکبت را ترجیح می دادند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۰۲).

۱۲. ولایت مداری

نتیجه بخش بودن کاربرد این روش منوط به تبعیت از ولی است. در جایی که فرد بدون توجه به دستورالعمل پیشوای خود اقدام به حرکت یا توقف کند و خود را از او جدا سازد، از نتیجه مطلوب

۱. لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُعَاشِرُ بِالْمَعْرُوفِ مَنْ لَا بُدَّ مِنْ مُعَاشَرَتِهِ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ إِلَى الْخَلَاصِ مِنْهُ سَبِيلًا.
 ۲. وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَءَاتَاكُمْ مَا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ * يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ * قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا فِيهَا قَوْمٌ جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ * قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ عَلَيْهِمْ وَغَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ * قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيَهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ.

برخوردار نخواهد شد. امام سجاد (علیه السلام) در صلوات شعبانیه فردی را که از اهل بیت پیامبر پیش افتد، از دین خارج شده، آنکه از آنان عقب بماند را هلاک شده و کسی که ملازم آنان باشد را پیوسته دانسته‌اند (همان، ج ۸۷، ص ۲۰).^۱ بنی اسرائیل نمونه کسانی هستند که فرمان ولی خود را نادیده گرفتند. حضرت موسی (علیه السلام) به آنان فرمود: «ای قوم من، به سرزمین مقدّسی که خداوند برای شما مقرر داشته است درآید، و به عقب بازنگردید که زیان کار خواهید شد.» گفتند: «ای موسی، در آنجا مردمی زورمندند و تا آنان از آنجا بیرون نروند ما هرگز وارد آن نمی‌شویم. پس اگر از آنجا بیرون بروند ما وارد خواهیم شد» (مائده، ۲۱-۲۲).^۲

نتیجه این تمرّد آن شد که موسی (علیه السلام) درخواست کرد که بین او و آن قوم فاسق جدایی افتد. پیامد دیگر آن بود که ورود آنان به سرزمین مقدّس چهل سال ممنوع شد و ایشان در این مدت در بیابان سرگردان شدند (همان، ۲۵-۲۶).^۳

براین اساس، به‌کارگیری صحیح و مؤثر روش تغییر موقعیت در تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی مستلزم آن است که در چارچوب قوانین شرعی قرار داشته و مخالفتی با ولایت خداوند، رسول اکرم، اهل بیت (علیهم السلام) و ولی فقیه در آن صورت نگیرد.

۱۳. استمداد از خداوند متعال

برای ثمربخشی تغییر موقعیت لازم است از خداوند متعال استمداد شود تا با پشتیبانی قدرت لایزال الهی، نتیجه مطلوب حاصل شود. حضرت موسی (علیه السلام) به هنگامی که تحت تعقیب فرعون قرار گرفت و هراسان از «مصر» خارج شد، دعا کرد که خداوند او را از قوم ستمگران نجات بخشد؛ و چون جهت حرکت را به سوی «مدین» قرار داد، از خداوند درخواست کرد که او را به راه صحیح هدایت کند (قصص، ۲۱-۲۲).^۴ این دعا زمانی مستجاب شد که بر حضرت شعیب (علیه السلام) وارد شد و ایشان بشارت داد که از قوم ظالمان نجات یافته است (همان، ۲۵).^۵

رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه نماز عید سعید فطر، دعا برای ثمربخش شدن تغییر موقعیت را این چنین تبیین می‌کند:

۱. و من دعاء زین العابدین (علیه السلام): الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَ الْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَ الْأَلاَزِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ.
۲. يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ * قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنذِرُكَ لَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ.
۳. قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ * قَالَ فَإِنَّهَا مُخْرَمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ.
۴. فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ.
۵. فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ.

در نماز عید فطر بارها به خداوند عرض می‌کنیم: «ادخلنی فی کلّ خیر ادخلت فیہ محمّدا و آل محمّد»؛ ما را به آن بهشت مصفای ایمان و اخلاق و عمل که این برگزیدگان را در آنجا دادی، وارد کن «و اخرجنی من کلّ سوء اخرجت منه محمّدا و آل محمّد صلواتک علیہ و علیہم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۷، ص ۳۸۰)؛ از آن دوزخ عمل ناشایست، اخلاق ناشایست، عقیده ناشایست که این بزرگواران و عزیزان عالم خلقت را از آن محفوظ و مصون نگاه داشتی، ما را خارج کن! این هدف بزرگ را برای خودمان در روز عید فطر ترسیم می‌کنیم، آن را از خدا طلب می‌کنیم (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8070>).

۱۴. سرعت مناسب

شرط دیگر تغییر موقعیت آن است که با سرعت مناسب انجام شود. تأکیدات قرآن کریم بر سرعت (آل عمران، ۱۳۳)^۱ و سبقت گرفتن (حدید، ۲۱)^۲ به سوی مغفرت الهی؛ و نیز سبقت گرفتن از یکدیگر در انجام رفتارهای شایسته (بقره، ۱۴۸؛ مائده، ۴۸)^۳، حاکی از همین موضوع است. گاه تغییر موقعیت صورت می‌گیرد اما چون به‌هنگام و با سرعت لازم انجام نمی‌شود، نتیجه مطلوب را به دنبال نمی‌آورد. در این صورت یا هیچ تأثیری حاصل نمی‌شود و یا تأثیری کمینه رخ می‌نماید. مثلاً در هنگام قرار گرفتن در موقعیت گناه، لازم است با سرعت زیاد از آن محیط فاصله گرفته شود، همچنان که حضرت یوسف علیه السلام از خلوتگاهی که زلیخا تدارک دیده بود، با شتاب گریخت (یوسف، ۲۵)^۴. تسویف، در مقابل عجله و شتاب در کار خیر، گرداب ژرفی است و انسان را فریب می‌دهد که می‌تواند در آن شنا کند؛ اما وقتی پای در آن می‌نهد، جز هلاکت بهره‌ای نمی‌برد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳)^۵.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این نوشتار برخی از جنبه‌های قابل توجه روش تربیتی «تغییر موقعیت» که در منابع اسلامی مورد توجه فراوان قرار گرفته بررسی شد. تغییر موقعیت به این معناست که فرد برای مصون ماندن از موقعیت آسیب‌زای کنونی یا پیش‌رو، و یا برخورداری از امتیازات موقعیت تعالی‌بخش، اقدام به

۱. وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ.

۲. سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ...

۳. فَاسْتَقْبُوا الْخَيْرَاتِ.

۴. وَاسْتَبَقَا الْبَابَ.

۵. قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: وَإِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يَغْرُقُ فِيهِ الْهَلَكَى.

موقعیت‌گزینی مطلوب و قرار گرفتن در آن می‌کند. گرچه برای این روش تربیتی می‌توان انواع متعددی در نظر گرفت، در این مقاله به انواع وضعی، مکانی، زمانی و اجتماعی اشاره و برای هر یک نمونه‌هایی ارائه شد. تغییر موقعیت اجتماعی خود قابل‌واشکافی به تغییر موقعیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... نیز هست. کارکردهای روش تغییر موقعیت فراوان است، ولی در مقاله حاضر به دلیل محدودیت فضا، تنها کارکردهای دانشی، اخلاقی، دینی و روان‌شناختی مطرح و شواهد قرآنی و روایی هر یک به اجمال بررسی گردید. بصیرت و بینش، استطاعت و توانایی، ولایت‌مداری، یاری‌طلبی از خداوند متعال، پرهیز از راحت‌طلبی و سرعت مناسب از جمله شرایطی است که اثربخشی این روش را در موقعیت‌های تربیتی فراهم می‌کند.

منابع

- * قرآن کریم
- * نهج البلاغه
۱. اناری، طاهره‌سادات (۱۳۹۰)، «روش تربیتی تغییر موقعیت در قرآن کریم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور.
 ۲. باقری، خسرو (۱۳۸۹)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
 ۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات.
 ۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
 ۵. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
 ۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین و مسعود انصاری (۱۳۷۶)، پیام پیامبر، تهران: منفرد.
 ۷. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲)، ارشادالقلوب، قم: الشریف‌الرضی.
 ۸. سلیمی، علی؛ محمد ابوترابی و محمد داوری (۱۳۸۸)، هم‌نشینی و کج‌روی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۹. کاویانی، محمد (۱۳۹۴)، روان‌شناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
 ۱۲. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۶)، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
 ۱۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، پند جاوید، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
 ۱۴. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵)، مباحثی درباره حوزه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
 ۱۵. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، یاد او، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.

۱۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹)، فلسفه اخلاق، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۷. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳)، جرعه‌ای از دریای راز، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۸. ناری‌قمی، مسعود و مینو قره‌بگلو (بهار ۱۳۹۴)، «الگوواره دانش روان‌شناسی محیط در تعامل با اندیشه اسلامی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، ش ۶، ص ۱۹-۳۶.
۱۹. نجاتی، محمدعثمان (۱۳۸۸)، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۰. نوری، حسین‌بن محمدتقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
۲۱. یالجن، مقداد (۱۳۹۵)، تربیت اخلاقی در اسلام، ترجمه، تلخیص و اضافات بهروز رفیعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

22. <http://farsi.khamenei.ir>

23. <https://plato.stanford.edu/entries/behaviorism/>

24. <https://www.simplypsychology.org/social-psychology.html>